

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان شناسی همگانی

**بررسی و نقد صورتگرا بر چند غزل از هوشنگ ابتهاج
با تاکید بر برجسته سازی ادبی**

استاد راهنما:

دکتر جلیل الله فاروقی

استاد مشاور:

دکتر حسن امامی

نگارش:

افسانه سمعیان

بهمن ماه ۱۳۹۲

فرم شماره: ۱۰

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد



با تاییدات خداوند متعال جلسه دفاع از پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد خانم افسانه سمعیان به شماره دانشجویی: ۹۰۱۳۲۱۹۰۰۶ رشته: زبان شناسی گرایش: همگانی دانشکده: ادبیات و علوم انسانی تحت عنوان: بررسی و نقد صورتگرا بر چند غزل از هوشنگ ابتهاج با تاکید بر برجسته سازی ادبی به ارزش: ۴ واحد در ساعت: روز: مورخ: با حضور اعضای محترم جلسه دفاع و نماینده تحصیلات تکمیلی به شرح ذیل تشکیل گردید:

سمت	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
استاد راهنمای اول	دکتر جلیل الله فاروقی	استادیار	
استاد راهنمای دوم			
استاد مشاور اول	دکتر حسن امامی	استادیار	
استاد مشاور دوم			
داور اول			
داور دوم			
نماینده تحصیلات تکمیلی			

نتیجه ارزیابی دفاع که منوط به ارائه اصلاحات پیشنهادی توسط هیئت داوران حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از تاریخ دفاع می باشد، به شرح زیر مورد تایید قرار گرفت:

قبول (با درجه): و امتیاز: (دفاع مجدد غیر قابل قبول

۱- عالی (۱۹-۲۰) ۲- بسیار خوب (۱۸-۱۸/۹۹) ۳- خوب (۱۶-۱۷/۹۹) ۴- قابل قبول (۱۴-۱۵/۹۹)

چکیده

تاکید اصلی در این تحقیق، بررسی چگونگی رسیدن به برجسته سازی ادبی در شعر بر طبق روش نقد صورت گراست. بر این اساس سه غزل از مجموعه غزلیات سیاه مشق هوشنگ ابتهاج برگزیده شده است و تلاش می شود که عوامل برجسته ساز، یعنی هنجارگریزی و قاعده افزایی در شعر وی شناسایی گردد. با توجه به این که در مبانی نظری فرمالیسم، موسیقی و آهنگ کلام در انسجام شعر و استحکام ساختار آن نقش بسزایی دارد، توجه به موسیقی و چگونگی ظهور آن در صورت غزلیات ابتهاج نیز مد نظر است. در بحث ساخت کلام که از رویکردهای اصلی در نقد صورتگراست، نگارنده به طور دقیق به مسائل کلمه و کلام در شعر پرداخته است و همه ترکیبات، افعال، و ساختارهای نحوی غزل ها را کاویده است تا میزان هنجارگریزی در این ساحت از غزلیات روشن گردد. بسامد هنجارگریزی ها در اشعار وی بدین ترتیب است: هنجارگریزی معنایی، هنجارگریزی واژگانی، هنجارگریزی نحوی، هنجارگریزی زمانی و هنجارگریزی آوایی.

در مبحث قاعده افزایی نیز به طور اخص به نظم و انسجام در صورت شعر اشاره شده است. قاعده افزایی در غزلیات سایه به ترتیب دارای بسامد آوایی، واژگانی، و نحوی است. از بررسی انواع قاعده افزایی چنین استنباط می شود که غزلیات ابتهاج از بهترین و بیشترین عوامل موسیقایی برخوردار است که می توانند با مضمون اشعار نیز هماهنگ باشند. آنچه در این بخش مورد بررسی قرار گرفته انواع موسیقی درونی، بیرونی، کناری و معنوی در اشعار است.

یکی دیگر از انگیزه های این تحقیق بررسی انواع برجسته سازی در زبان شعر ابتهاج است که در صنایع مختلفی از جمله تشبیه، استعاره، تشخیص، تضاد، اغراق و غیره مورد ارزیابی قرار گرفته است. **کلید واژه ها:** نقد صورتگرا، هنجارگریزی، قاعده افزایی، ساخت کلام، برجسته سازی، صورت، موسیقی، غزل، هوشنگ ابتهاج.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	
۳	فصل اول: کلیات تحقیق	۱
۴	مقدمه	۱,۱
۶	بیان مسئله	۱,۲
۷	سوال های تحقیق	۱,۳
۷	فرضیه ها	۱,۴
۸	ضرورت تحقیق	۱,۵
۱۰	اهداف تحقیق	۱,۶
۱۱	کاربرد تحقیق	۱,۷
۱۱	روش کار تحقیق	۱,۸
۱۳	جنبه نوآوری تحقیق	۱,۹
۱۳	سابقه انجام تحقیق	۱,۱۰
۱۸	فصل دوم: مباحث نظری	۲
۱۹	مقدمه	۲,۱
۱۹	تعریف شعر	۲,۲
۲۲	ارکان و عناصر شعر	۲,۳
۲۲	اندیشه و معنی	2.3.1
۲۲	عاطفه و احساس	2.3.2
۲۳	تخیل	2.3.3
۲۳	زبان شعر	2.3.4
۲۳	شکل و ساختار	2.3.5

۲۴.....	وزن و موسیقی.....	2.3.6
۲۴.....	«موسیقی بیرونی»:.....	۲,۳,۶,۱
۲۴.....	موسیقی درونی (واج آرایی).....	۲,۳,۶,۲
۲۴.....	موسیقی کناری:.....	۲,۳,۶,۳
۲۵.....	موسیقی معنوی:.....	۲,۳,۶,۴
۲۵.....	زبان شعر.....	۲,۴
۲۶.....	زبان ارتباطی و زبان شعر.....	۲,۵
۲۸.....	تعریف نقد.....	۲,۶
۳۰.....	نقد زبان شناختی.....	۲,۷
۳۲.....	کارکرد ادبی.....	۲,۸
۳۳.....	خاستگاه فرمالیسم.....	۲,۹
۳۳.....	ماشین.....	۲,۹,۱
۳۵.....	ساختار یا ارگانیزاسیون.....	۲,۹,۲
۳۵.....	نظام یا سیستم.....	۲,۹,۳
۳۶.....	ریشه های فرمالیسم.....	۲,۱۰
۳۸.....	فرمالیسم اولیه.....	۲,۱۱
۳۹.....	فرمالیسم ثانویه.....	۲,۱۲
۴۱.....	فرمالیسم و نقد شعر.....	۲,۱۳
۴۲.....	شاعر از نگاه صورت گرایان.....	۲,۱۴
۴۳.....	هنر سازه ها.....	۲,۱۵
۴۴.....	صورت.....	۲,۱۶
۴۶.....	صورت گرایان و تکامل ادبی.....	۲,۱۷
۴۸.....	نظریه پردازان اصلی صورت گرا.....	۲,۱۸
۴۸.....	ویکتور شکلوفسکی (۱۸۹۳-۱۹۸۴).....	۲,۱۸,۱
۴۹.....	یوری تن یانو (۱۹۴۳-۱۸۹۴).....	۲,۱۸,۲
۵۱.....	آیخن باوم (۱۹۵۹-۱۸۸۶).....	۲,۱۸,۳
۵۲.....	ولادیمیر پروپ (۱۹۷۰-۱۸۹۵).....	۲,۱۸,۴
۵۳.....	یاکوبسن (۱۹۸۲-۱۸۹۶).....	۲,۱۸,۵

۵۳	وجه غالب	۲,۱۹
۵۵	زائوم	۲,۲۰
۵۷	رستاخیز کلمات	۲,۲۱
۵۷	ادبیت	۲,۲۲
۵۸	آشنایی زدایی	۲,۲۳

۶۰ فصل ۳: برجسته سازی ادبی ۳

۶۱	مقدمه	۳,۱
۶۱	برجسته سازی ادبی	۳,۲
۶۴	هنجار گریزی	۳,۳
۶۵	هنجار گریزی واژگانی:	۳,۳,۱
۶۶	هنجار گریزی نحوی:	3.3.2
۶۷	حذف فعل:	۳,۳,۲,۱
۶۷	استفاده از صفت به جای اسم	۳,۳,۲,۲
۶۷	تقدم فعل	۳,۳,۲,۳
۶۸	تقدیم مسند بر مسند الیه	۳,۳,۲,۴
۶۸	ضمایر رقصان	۳,۳,۲,۵
۶۹	هنجار گریزی آوایی:	۳,۳,۳
۶۹	ساکن کردن متحرک	۳,۳,۳,۱
۶۹	مشدد کردن کلمه	۳,۳,۳,۲
۷۰	هنجار گریزی معنایی:	۳,۳,۴
۷۰	تشبیه:	۳,۳,۴,۱
۷۰	استعاره	۳,۳,۴,۲
۷۱	تشخیص	۳,۳,۴,۳
۷۱	اغراق	۳,۳,۴,۴
۷۱	هنجار گریزی نوشتاری	۳,۳,۵
۷۲	هنجار گریزی سبکی:	3.3.6
۷۲	هنجار گریزی زمانی (باستان گرایی):	3.3.7
۷۲	قاعده افزایشی	۳,۴
۷۴	توازن آوایی	۳,۴,۱

۷۴.....	توازن آوایی کمی (وزن).....	۳,۴,۱,۱
۷۶.....	هماهنگی آوایی (تکرار صامت ها و مصوت ها).....	۳,۴,۱,۲
۷۷.....	درنگ در میان گروه های هجایی.....	۳,۴,۱,۳
۷۷.....	توازن واژگانی	۳,۵
۷۸.....	تکرار در سطح واژه:.....	۳,۵,۱
۷۸.....	همگونی ناقص:.....	3.5.1.1
۸۰.....	همگونی کامل:.....	۳,۵,۱,۲
۸۱.....	تکرار در سطح گروه.....	۳,۵,۲
۸۱.....	همگونی ناقص:.....	۳,۵,۲,۱
۸۲.....	همگونی کامل:.....	۳,۵,۲,۲
۸۲.....	تکرار در سطح جمله.....	۳,۵,۳
۸۲.....	همگونی ناقص:.....	۳,۵,۳,۱
۸۳.....	همگونی کامل:.....	۳,۵,۳,۲
۸۳.....	توازن نحوی	۳,۶
۸۳.....	تکرار ساخت.....	۳,۶,۱
۸۴.....	همنشین سازی نقشی.....	۳,۶,۲
۸۴.....	جانشین سازی نقشی.....	۳,۶,۳

۸۵ فصل ۴: تحلیل صورت‌گرایانه اشعار ۴

۸۵.....	مقدمه.....	۴,۱
۸۷.....	افسانه خاموشی.....	۴,۲
۹۹.....	ناله ای بر هجران.....	۴,۳
۱۰۷.....	گریه لیلی.....	۴,۴

۱۱۶ نتیجه گیری ۵

۱۲۲ فهرست منابع

پیشگفتار

نقد فرمالیست یا صورت‌گرا یکی از جریان‌های مهم نقد در قرن بیستم است که توانست با ایجاد موجی جدید در زمینه نقد متون ادبی علی‌الخصوص نقد شعر و داستان توجه بسیاری از صاحب‌نظران و منتقدان سراسر جهان از اروپا تا آمریکا را به خود جلب کند. نکته‌حایز اهمیت این است که در ایران، شعر شاعران ما از جمله حافظ، سعدی، رودکی، جامی، عطار و غیره در این حوزه ادبی، یعنی ایجاد فرم جدید، حرف برای نقد صورت‌گرا و تحلیل زیبایی‌شناختی بسیار دارد. از این رو نگارنده در این پژوهش توجه و تأکید خود را بر شعر نهاده است و اشعار هوشنگ ابتهاج را از آن جهت انتخاب کرده است که: «نوآوری‌های سایه در غزل نوعی چهره‌گردانی عناصر غزل حافظ است که اعاده‌ی حیثیت شده و با اشارات و رموزی از زندگی و زمانه ما گره خورده است.» (شفیعی کدکنی ۱۳۹۱: ۲۳۹).

هوشنگ ابتهاج در پس تاریخ ادبی ایران ناشناخته مانده است و آن‌طور که شاید از وی نامی به میان نمی‌آید و مردم با آثار وی آن‌چنان که باید آشنایی ندارند. هر زمان که به قاب روی دیوار اتاقم که هدیه‌ای از طرف چند دوست قدیمی است می‌نگریستم و آن شعر عمیق با پس‌زمینه زیبایی آن را می‌خواندم، هیچ توجهی به نام شاعر آن نداشتم. ولی امروز که به اتفاق اشعار وی را برای تحقیق خود برگزیده‌ام، هرگاه به نام ابتهاج در پایان شعر می‌نگرم، با خود می‌اندیشم که شاعری که سالیان سال شعرش در مقابل چشمم بود، روزی اشعارش می‌شوند محور کار پژوهش پایان‌نامه تحصیلات تکمیلی من. من سالهای سال با این قطعه شعر هوشنگ ابتهاج روی قاب عکس دیوار زندگی کرده‌ام.

آن شب که بوی زلف تو با بوسه‌ی نسیم
مستانه سر به سینه‌ی مهتاب می‌گذاشت
و آن خنده‌ای که روی لب‌ت نقش می‌نهفت
چشم تو زیر سایه‌ی مژگان چه ناز داشت^۱

آنچه در این پژوهش بر آن نگریسته شده، نحله‌ی صورت‌گرایان روس است، زیرا قسمت عمده این جنبش از این سرزمین نشأت گرفته است. پس از چندی مطالعه و آشنایی با این جریان مکتب صورت‌گرا کاملاً گسترده از آنچه من در مباحث کلاس درس آموخته‌ام به دست آمد. با این وجود هرگز ادعا نمی‌کنم که آنچه من در این جنبه از نقد بدان دست یافته‌ام قابل قبول و صحیح است. آنچه در نهایت از این طریق به دست آمده است سخن تازه‌ای نیست. گفتنی‌ها را همگان قبل ما گفته‌اند. اگر در این پژوهش نکته قابل توجهی وجود دارد، آن را از عنایات خدا و راهنمایی‌های استادان بزرگواری می‌دانم که با گشاده‌رویی

^۱ تاسیان، صفحه ۴۲

به ندانسته‌هایم پاسخ داده‌اند. و چنانکه نقص و کاستی وجود دارد، که قطعاً خالی از اشکال نمی‌باشد، از بی‌تجربگی و کم‌کاری خود من است.

به هر حال در این پژوهش سعی داریم به درک و فهم شایسته‌تری از نقد صورت‌گرا برسیم و با بررسی‌های به‌عمل‌آمده در مورد انواع واژه‌ها، روابط معنایی‌شان، ساختار نحوی و آوایی، و با اشاراتی به استعارات و مجازهای موجود در شعر هوشنگ ابتهاج، تا حدود درهای فهم کلام این شاعر فرهیخته را به سوی خوانندگان اشعارش بگشاییم.

هنگام نگارش تحقیق حاضر، استادان ارجمند جناب آقای دکتر فاروقی، دکتر امامی و دکتر محمدی پشتیبان دائمی من بودند. جا دارد از این بزرگواران قدردانی شود. ولی عبارتی که در خور ایشان باشد یافت نکردم. حقی که استاد بر گردن شاگرد نوپایش دارد بیش از آن است که در نوشته گنجد.

۱ فصل اول

زبان وسیله بیان اندیشه و حفظ و انتقال ارزشمندترین دستاوردهای فکری در جوامع انسانی است. در دهه های اخیر به دلیل تنوع مسائل مربوط به زبان شناسی، تعاریف و مقالات متعددی در این زمینه ارائه شده است و هر پژوهش تلاقی خاصی از زبان شناسی با سایر رشته ها و زمینه ها را بیان می دارد. یکی از این تلاقی ها، ارتباط زبان شناسی و ادبیات است. از این رو می توان مطالعات زبان شناسی و ادبیات را از یک مقوله دانست، چرا که ادبیات، اعم از نظم یا نثر، حادثه ای است که در زبان روی می دهد و زبان شناس ناگزیر است ببیند که این حادثه زبانی چیست. بی شک اگر به این حادثه زبانی نپردازد بخشی از موضوع کارش را نادیده گذاشته و نشناخته است.

ذات زبان پدیدارگری است. زبان جهان را در تمامی کلیات و جزئیاتش برای ما گزارش می کند چرا که واسطه بین انسان و جهان است. یعنی هر آنچه هست و بوده است و تواند بود. از این طریق است که ما در پهنه بی کران هستی و زمان حضور می یابیم. زبان بشر را از موجودی طبیعی در میان موجودات دیگر و وابسته به طبیعت به ساحت ماوراء طبیعت می کشاند. اندیشه ها و مفاهیمی که در شعر با آن سر و کار داریم همه از طریق زبان به ما منتقل می شود. در این عالم همه چیز را به کمک زبان می شناسیم. مهمترین وظیفه زبان آفرینش و خلق عالی ترین هنرهای جامعه انسانی، یعنی ادبیات است.

از جمله مهمترین و عالی ترین رسانه فرهنگی ما شعر است که مبین زبان ما نیز می باشد. شعر واسطه ای است پر شور که قلم ایرانی آن را بر گزیده است تا بیان گر اندیشه، احساس و جهان بینی او باشد. شاعران در اعصار و دوران مختلف مهمترین چهره های فرهنگ ایرانی بوده اند. چه در روزگار قدیم که ایرانیان آن همه شور و شیدایی برای سعدی، حافظ و فردوسی نشان می دادند و چه در این روزگار که حال هوای شعر اوصاف شاملو و سهراب است.

در این میان غزلیات سایه، علی رغم اینکه برای اقلیت مردم ناشناخته مانده است، مملو از مضامین گیرا و دلکش است که خواننده را غرق زیبایی و لذت می کند. از این رو در این پژوهش می توان با نگاهی زبان شناختی در بهترین نمونه آن، یعنی نقد صورت گرا، به تبلور «زبان» در اشعار سایه دست یافت و نمونه ای از زیبایی آن را به علاقه مندان وی معرفی کرد. بنابراین، ابتدا باید دانست که زبان یا فرم در رسیدن به زیبایی از بستر برجسته سازی است که بر می خیزد و کلام ابتهاج و شیوه بیان او را ادیبانه و تاثیر گذار می نماید. در این تحقیق نیز سعی بر آن شده است که عوامل برجسته ساز را معرفی کرده و چگونگی و دلیل پیدایش آن در بطن شعر را بازگو نماییم. شایان ذکر است که برجسته سازی علاوه بر صورت و فرم بر موسیقی و زیبایی آن نیز تاثیر گذار است. لذا در این پژوهش سوالاتی در ارتباط با برجسته سازی در اشعار

سایه مطرح می‌گردد که تلاش خواهد شد به آنها پاسخ دهیم و در خلال آن فرضیاتی است که بدان دست یافته ایم و دلایل انجام تحقیق، ضرورت و سابقه آن را نیز بازگو خواهیم کرد.

۱,۲ بیان مسئله

پیشرفت سریع دانش زبان شناسی علی الخصوص مکتب صورت گرا که به ظهور و پیدایش سایر مکاتب از جمله حلقه ی زبان شناسی پراگ و پس از آن ساختار گرایی گردید، به ایجاد امکانات جدیدی برای مطالعه زبان و ادبیات انجامیده است. نقد صورت گرا یکی از مکاتب ادبی است که زبان و ادبیات را یک مسأله ی زبانی می داند لذا باید بدان از دید زبان شناسی نگریست.

دیدگاه صورت گرا در نقد شعر حوزه ای است که می توان آن را نقطه ی تلاقی بین زبان شناسی و شعر شناسی دانست. دو اتحاد ملموس یکی از جنس زبان و استدلال و دیگری از نوع فهم و زیبایی شناسی ادبی، که امید است دری از زیبایی شعر و غزل ابتهاج را به روی خواننده بگشاید. آنچه می تواند در این بین مد نظر قرار گیرد مفهوم فرم و صورت در نقد صورت گرا و چگونگی هبوط و آمیزش آن در محتوی و معنی شعر است. غرض از طرح این سؤال پژوهش همه جانبه در گستره ی بی پایان شعر نیست، بلکه با ارزیابی شعر ابتهاج می توان به عواملی برخورد که به نوبه ی خود می توانند در کنار سایر عوامل پیچیده ی شعر جلوه ی تازه ای داشته باشد. پس در این تحقیق پژوهنده قصد آن را دارد به آن جنبه از صورت و فرم بپردازد که در زبان شعر ابتهاج نمود ویژه ای دارد و چگونگی تأثیر صورت و اجزای ساختمان بیرونی زبان در به وجود آمدن یک خلاقیت و زیبایی ادبی که همان شعر است را مورد بررسی قرار دهد. و از آن جهت که هوشنگ ابتهاج دارای قلمی ستودنی در مبحث شعر نو است، حائز اهمیت مضاعف خواهد بود. مسأله ی دیگری که این تحقیق در پی آن است، ابزار ایجاد این زیبایی یعنی نمود ماهرانه ی صورت در محتواست. آنچه می تواند به ظهور صورتی نو و در نهایت محتوی نو بینجامد، استفاده از لوازم بروز آن است. بنا بر آنچه صورت گرایان بر آن معتقدند، در هر اثر ادبی به ویژه شعر، هنرمند یا شاعر ابزار خاصی را به کار می گیرد که به کمک آن مواد یا صورت شعر را آن گونه که زیبا و هنری است تغییر شکل دهد. این زیبایی در قالب اصطلاح « برجسته سازی ادبی » آشکار می شود. مهمترین کار در این پژوهش تعریف و باز کردن این اصطلاح و چگونگی نمود آن در برجستگی های زبانی و صورت شعر هوشنگ ابتهاج می باشد. می توان تمایز شعر ابتهاج را در همین پرسش جست و پاسخ داد چگونه برجسته سازی ادبی اثر هوشنگ ابتهاج را متمایز می کند و آن را این چنین زیبا و شاعرانه به دل می نشاند.

۱,۳ سوال های تحقیق

در بررسی دقیق و جامع اشعار هوشنگ ابتهاج سوال هایی مطرح است که اهتمام می شود در این پژوهش به آنها پاسخ دهیم:

۱. در شعر هوشنگ ابتهاج چگونه می توان از صورت به محتوا رسید؟
۲. برجسته سازی ادبی در اشعار ابتهاج چگونه مطرح می شود؟
۳. هنجارگریزی یا قاعده کاهی در اشعار وی به چه صورت به کار رفته است؟
۴. قاعده افزایی در اشعار ابتهاج چگونه نمود می یابد؟
۵. موسیقی به چه صورت در شعر وی نمایان است؟

۱,۴ فرضیه ها

۱. هوشنگ ابتهاج در غزلیات خود از هنر سازه های متعددی از جمله: ترکیبات واژگانی مناسب، استعارات بدیع، تشبیهات زیبا و جان بخشی تاثیر گذار استفاده کرده و توانسته است در قالب فرم اعجاز برانگیز مقصود و محتوای شعرش را به خواننده انتقال دهد.
۲. برجسته سازی به معنی تمهیداتی است که شاعر به کار می گیرد تا زبان خود را به طرز ادبی و زیبا بیان کند. این برجسته سازی به کمک دو فرایند «هنجارگریزی» و «قاعده افزایی» در صورت و محتوای شعر وی نمود می یابد.
۳. هوشنگ ابتهاج از بین موارد متعدد هنجارگریزی، در درجه اول بیشتر از هنجارگریزی معنایی بهره برده است و در درجات بعدی از هنجارگریزی واژگانی و نحوی نیز استفاده کرده است در حالی که قاعده کاهی آوایی در اشعار وی کمتر به چشم می خورد.
۴. از بین اسباب ایجاد نظم در شعر، که همان قاعده افزایی است، سایه از تمهیداتی از جمله توازن آوایی: توازن کمی (وزن)، تکرار صامت ها و مصوت ها (واج آوایی)، توازن واژگانی (قافیه، سجع، جناس) و توازن نحوی در سطوح مختلف زبان شناختی بهره برده است.
۵. از آنجا که صورت گرایان شعر را کاربرد ادبی ناب زبان می دانند، بر این باورند که مهمترین عامل سازنده شعر، موسیقی و وزن است. موسیقی در شعر ابتهاج از طریق موسیقی بیرونی: وزن عروضی،

موسیقی میانی: واج آرای، موسیقی کناری: قافیه و جناس، و موسیقی معنوی: تباین و توازن کلمات و واج ها و تداعی خاطرات و مفاهیم انتزاعی به اوج خود می رسد.

۱.۵ ضرورت تحقیق

با مطالعه در حوزه نقد صورت گرا چنین استنباط می شود که این مکتب از موثر ترین چهره ها در حوزه جمال شناسی و نظریه ادبی به خصوص شعر است. در واقع اروپای غربی در نیمه دوم قرن بیستم هر آنچه دارد یا بخش قابل ملاحظه ای از آنچه را که دارد، بر گرفته از آرای صورت گرایان روس می داند. همین نکته کفایت که سخن را از اهمیت نگارش این تحقیق آغاز کنیم. از آنجا که مکتب صورت گرا زمینه ساز شکل گیری مکتب پراگ و سپس ساختار گرایی اروپاست، نگارنده اهمیت موضوع را در این دید که با معرفی این نحله و خاستگاه و دلایل شکل گیری آن، ضرورت آشنایی با این روش نقد ادبی را معرفی نماید و در این میان جنبه زبانی شعر از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که در پژوهشهای زبان شناختی، حوزه نقد و تحلیل صورت گرا با ساختار شعر سازگاری بیشتری دارد. بنابراین رابطه هدف با وسیله، و یا کل با جزء و به عبارتی رابطه قوانین ساختاری با جنبه خلاق زبان، در سخن شعر است که به بار می نشیند و خود را جلوه گر می نماید. اگر قرار به جمع بندی نظرات ارائه شده در حوزه نقد ادبی و شعر کنیم، کاری که عالمان و فرهیختگان صورت گرا انجام داده اند را در ردیف اول این مطالعات قرار خواهیم داد و هر آنجا که نظریه ای پرورش یافته در باب ادبیت و ادبیات مطرح باشد آن را مدیون این نحله فکری می دانیم.

با این حال در میان مقالات و مطالب جمع آوری شده، نامی از اشعار هوشنگ ابتهاج در زمینه نقد صورت گرا به چشم نمی خورد. و جایی از چگونگی تبلور زبان در شعر وی و چرایی زیبایی اشعارش سخنی به میان نیامده است. به همین دلیل نگارنده ضرورت را در این دید که به جنبه ای از جوانب نقد صورت گرا در اشعار هوشنگ ابتهاج اشاره ای کند. اگر چه در پی چیزی هستیم که دسترسی به تمامی آن حاصل نیست، ولی از آن مقدار که حاصل است گریزی نخواهد بود.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید.^۲

برای همگان واضح است که تحلیل زبان شعری هر شاعر، می تواند راهی برای شناخت شعر و دریافت هر چه بیشتر مفاهیم و درک اندیشه های وی باشد، لذا از آنجا که اثر مستقل و جامعی در مورد

^۲ مثنوی معنوی، دفتر پنجم، مولوی

زبان شعر هوشنگ ابتهاج موجود نیست، بیشترین اهمیت نگارش این تحقیق در بررسی ساختار و زبان شعر وی علی الخصوص پیوند آن با نقد صورت گرا نهفته است.

۱,۶ اهداف تحقیق

اهدافی که در این تحقیق مد نظر است به اجمال چنین است:

۱. آشنایی با ظرایف آراء و عقاید صورت گرایان و چشم اندازی به میراث به جای مانده از آنها در نقد ادبی.
۲. معرفی چگونگی پیوند علم زبان شناسی با سایر علوم ادبی به ویژه شعر.
۳. کمک به نقد و بررسی شعر بدین گونه که با مطالعه این نوع از تحقیق، راه و شیوه مناسبی برای نقد دیگر آثار ادبی فراهم گردد.
۴. آشنایی با جنبه های فنی و عملی در نقد صورت گرا و استفاده از این یافته ها در نقد اشعار معاصر.
۵. ارائه شواهد صوری و عینی زبانی برای مستدل کردن برداشت های صورت گرایانه موجود از یک اثر ادبی.
۶. اشاره به زبان شعر هوشنگ ابتهاج و زیبایی نهفته در اشعارش به منظور فهم و آشنایی عمیق تر با آثار وی.

۱,۷ کاربرد تحقیق

بی شک با معرفی نقد صورت گرا و چگونگی تحلیل آن در اشعار هوشنگ ابتهاج، هم درک کامل تری از این مطلب و هم فهم بهتری از اشعار ابتهاج حاصل خواهد آمد و در نتیجه جهت کاربرد در موارد زیر سودمند خواهد بود:

۱. کمک به دانش جویان ادبیات و زبان شناسی
۲. شکل گیری سبک شناسی شعر
۳. شیوه های بازخوانی شعر
۴. تدوین مقالات در زمینه نقد شعر
۵. کمک به منتقدان ادبی
۶. توسعه ی تحقیقات شعر شناسی در ادبیات
۷. تدوین و پژوهش در حوزه نقد صورت گرا
۸. قابل استفاده در موسسه تحقیقات زبان شناسی و علوم انسانی
۹. کمک به سازمان گسترش زبان و ادبیات فارسی

۱,۸ روش کار تحقیق

در این پژوهش غزلیات هوشنگ ابتهاج از دفتر شعر سیاه مشق او انتخاب شده است. در مجموع ابتهاج دارای دو مجموع شعر می باشد: اشعار سنتی او که شامل غزلیات، مثنوی و دوبیتی ها است در مجموعه سیاه مشق جمع آوری شده و کتاب دیگر او با نام *تاسیان* شامل مجموعه اشعار نوی اوست. در نقد صورت گرا متن ادبی یک ساختار منسجم و هماهنگ محسوب می شود که تمام عناصر موجود در آن با یکدیگر رابطه ای متقابل دارند و به هم وابسته اند. از این منظر، هر عنصر منفرد کارکردی خاص دارد و به واسطه آن کارکرد به کلیت اثر پیوند می خورد. بنابراین سعی می شود نقش هر عنصر شعری، اعم از زبان (شامل واژگان، ترکیبات و نحو متن)، عناصر بلاغی (تشبیه، کنایه، استعاره، آرایه ها، واج آرایی و غیره) و عوامل دیگر از جمله کارکردهای معنایی در ارتباط با یکدیگر و نیز در ارتباط با کل غزل در نظر گرفته شود. در این رساله سه غزل به طور تصادفی انتخاب گردید و سعی کردیم که ابتدا تحلیل و نقد فرمالیستی از این اشعار ارائه داده و سپس با توجه به تاکید تحقیق که برجسته سازی ادبی بوده است، عوامل ایجاد این مهم

را معرفی کنیم. ابتدا عوامل هنجار گریز از انواع واژگانی، نحوی، معنایی و آوایی را مشخص می کنیم و سپس به سراغ قاعده افزایی می رویم که خود نیز به انواع آوایی، واژگانی و نحوی تقسیم می گردد. نکته مهم در بررسی فرمالیستی این تحقیق آن است که هدف، فقط تحلیل و ارائه گزارش است و در انتهای فصل تحلیل شعر، نتیجه هر دو تحلیل هنجارگریزی و قاعده افزایی ارائه خواهد شد. در واقع هدف از این تحلیل ها پاسخ به چرایی شعر بودن این غزلیات و یا به عبارتی جستجو برای کشف دلایل زیبایی غزلیات هوشنگ ابتهاج می باشد.

این تحقیق به روش کتابخانه ای انجام گرفته است. ابتدا منابع موجود در ارتباط با موضوع جمع آوری شده است، سپس به مطالعه این آثار و یادداشت برداری از آنها پرداخته شده است، تا اطلاعات لازم در مورد موضوع برای نگارنده حاصل شود. بعد از آن نمونه گیری از کتب متناسب با موضوع هر فصل آغاز گردید و نمونه ها در دفترچه معین یادداشت شد تا اینکه سر انجام به تجزیه و تحلیل نمونه های پرداخته و نتیجه بحث در پایان تحقیق ارائه شده است.

در این تحقیق سعی شده است تا از نظریه زبان شناسی «صورت گرا» و مبانی آن در تبیین هر چه بهتر موضوع استفاده گردد. چرا که اساس کار صورت گرایان بر روی صورت شعر و زبان آن استوار است. توجه به زبان به گونه ای که سبب تغییر نگرش مخاطب گردد و درک تازه ای از امور زندگی به خواننده ببخشد، دستاورد همین نظریه ادبی است. بنابراین چون این پژوهش در صدد تحلیل زبانی شعر است، رویکرد به این نظریه امری ضروری تلقی می شود؛ البته در این خصوص بیان سایر نظریه های ادبی که در ارتباط با این نحله فکری بوده اند نیز جلب نظر می کند.

نکته دیگری که لازم است بیان شود این است که در این تحقیق روش ارجاع به دو گونه آمده است. نگارنده سعی داشته است تا تمام شعرهای نمونه چه از شاعر مورد بحث و چه از شاعران دیگران را، بر اساس نام دفتر شعر و یا نام مجموعه شعر و ذکر شماره صفحه ارجاع دهد، چرا که هم نوعی یکدستی در ارجاع شعر پیدا می شود. و هم اینکه از تکرار ارجاعات به نام شاعر و سال چاپ کتاب اجتناب می گردد. اما در ارجاع به تعریفات و بیان دیدگاه صاحب نظران که به شکل نثر آمده به صورت ارجاع درون متنی اعمال شده است. که این نیز به نوبه خود یکدستی ویژه ای را در سطح تحقیق حاکم می کند.